

انتخاب ریاست جمهوری در قانون اساسی فرانسه

دکتر جواد تقی‌زاده *

چکیده

انتخاب رئیس‌جمهور فرانسه برای پنج سال و با رأی‌گیری همگانی مستقیم است و هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی انتخاب گردد. انتخاب ریاست جمهوری با نظام اکثریت مطلق دو مرحله‌ای و آغاز رأی‌گیری با دعوت دولت است. انتخاب رئیس‌جمهور جدید حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پیش از پایان اختیارات رئیس‌جمهور در حال فعالیت صورت می‌گیرد. در موارد غیاب یا اعلام مانعیت قطعی رئیس‌جمهور توسط شورای قانون اساسی رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید، مگر در صورت قوه قاهره به تشخیص شورای قانون اساسی، حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پس از آغاز غیاب یا اعلام ویژگی قطعی مانعیت انجام می‌پذیرد. فوت یا مانعیت هر یک از داوطلبان ریاست جمهوری می‌تواند تحت شرایطی زمان برگزاری انتخابات و انتخاب رئیس‌جمهور بعدی را با تأخیر مواجه کند. اگر در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای ثبت نام داوطلبان یکی از اشخاصی که حداقل سی روز قبل از این تاریخ تصمیم خویش بر داوطلبی را اعلام کرده است فوت نماید یا در مانعیت قرار گیرد شورای قانون اساسی می‌تواند تصمیم به تعویق انتخابات بگیرد. اگر پیش از مرحله اول یکی از داوطلبان فوت کند یا در مانعیت قرار گیرد

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

شورای قانون اساسی تعویق انتخاب را اعلام می‌کند. در موارد فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حایز بیشترین آرا در مرحله اول پیش از کناره‌گیری احتمالی، شورای قانون اساسی اعلام می‌کند که باید از نو تمام عملیات انتخاباتی انجام شود. در صورت فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حاضر در مرحله دوم نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. شورای قانون اساسی بر سلامت انتخاب رئیس‌جمهور مراقبت، به شکایات رسیدگی و نتیجه نهایی را اعلام می‌کند.

کلید واژگان

انتخابات - رئیس‌جمهور - قانون اساسی - حقوق انتخاباتی فرانسه.

مقدمه

رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی جمهوری پنجم فرانسه^۱ است. وی مراقب اجرای قانون اساسی است و با داوری خویش فعالیت منظم قوای عمومی و استمرار حکومت را تأمین می‌کند. رئیس‌جمهور ضامن استقلال ملی، تمامیت ارضی و اجرای معاهدات است (ماده ۵ قانون اساسی). وی ضامن استقلال دستگاه قضایی و رئیس شورای عالی قضایی است (مواد ۶۴ و ۶۵ قانون اساسی). نصب نخست‌وزیر و پذیرش استعفای دولت^۲، نصب سایر اعضای دولت یا پایان دادن به کار آنان با پیشنهاد نخست‌وزیر از وظایف ریاست جمهوری است (ماده ۸ قانون اساسی). ریاست شورای وزیران (ماده ۹ قانون اساسی)، توشیح قوانین (ماده ۱۰ قانون اساسی) و عفو انفرادی محکومان (ماده ۱۷ قانون اساسی) با ریاست جمهوری است. رئیس‌جمهور می‌تواند پس از مشورت با نخست‌وزیر و رؤسای مجلسین ملی و سنا، انحلال مجلس ملی یعنی مجلس اول قانون‌گذاری را اعلام کند (ماده ۱۲ قانون اساسی) و نقش وی در مراجعه به همه‌پرسی (ماده ۱۱ قانون اساسی) یا تجدید نظر در قانون اساسی (ماده ۸۹ قانون اساسی) بسیار جدی است. مذاکره و امضای معاهدات با ریاست جمهوری است (ماده ۵۲ قانون اساسی). امضای تصویب‌نامه‌ها و فرامین مصوب شورای وزیران، نصب برخی از مقامات کشوری و لشکری، اعطای استوارنامه‌های سفیران و فرستادگان فوق‌العاده فرانسه به کشورهای دیگر و پذیرش سفیران و فرستادگان فوق‌العاده خارجی به فرانسه بر عهده رئیس‌جمهور است (مواد ۱۳ و ۱۴ قانون اساسی). فرماندهی

۱. قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه به ابتکار دولت ژنرال دوگل در سال ۱۹۵۸ به تصویب مردم فرانسه رسید و از آن سال تاکنون فرانسه پنجمین جمهوری تاریخ سیاسی خویش را تجربه می‌کند.

2. Gouvernement

نیروهای نظامی و ریاست شوراها و کمیته‌های عالی دفاع ملی نیز با ریاست جمهوری است (ماده ۱۵ قانون اساسی). در صورت تهدید شدید و فوری نهادهای جمهوری، استقلال ملت، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی‌اش شدید و فوری مواجه شوند و فعالیت منظم قوای عمومی اساسی، رئیس‌جمهور اقدامات مقتضی برای این اوضاع و احوال را پس از مشورت رسمی با نخست‌وزیر، رؤسای مجلسین ملی و سنا و شورای قانون اساسی اتخاذ می‌کند (ماده ۱۶ قانون اساسی). گشایش و پایان اجلاس‌های فوق‌العاده پارلمان با فرمان ریاست جمهوری است (ماده ۳۰ قانون اساسی). رئیس‌جمهور سه نفر از اعضا و رئیس شورای قانون اساسی را منصوب می‌کند (ماده ۵۶ قانون اساسی). وی از طریق ارسال پیام با مجلسین ملی و سنا ارتباط برقرار می‌کند و می‌تواند در برابر کنگره یعنی اجتماع مجلسین ملی و سنا سخنرانی نماید (ماده ۱۸ قانون اساسی). به دلیل جایگاه ویژه رئیس‌جمهور در نظام سیاسی فرانسه، مواد ۶، ۷ و ۵۸ قانون اساسی جمهوری پنجم به کیفیت انتخاب ریاست جمهوری می‌پردازند. محدودیت دوره و توالی (الف)، انتخاب مستقیم و همگانی (ب)، انتخاب با نظام اکثریت مطلق (ج)، فوت یا مانعیت یکی از داوطلبان (د)، زمان برگزاری انتخاب (ه) و نظارت بر انتخاب (و) ریاست جمهوری توجه قانون‌گذار اساسی فرانسه را جلب کرده‌اند.

الف. محدودیت دوره و توالی ریاست جمهوری

«ریاست جمهوری مادام‌العمری مغایر با روح دموکراسی است»^۳، اما درباره کوتاه یا طولانی بودن دوره ریاست جمهوری بین صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود

۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران، میزان، بهار ۱۳۸۰، ص ۹۵.

ندارد. «عده‌ای دوره کوتاه ریاست جمهوری را با روح دموکراسی موافق‌تر می‌دانند و استدلال می‌کنند که انتخاب رئیس‌جمهوری در مقاطع زمانی کوتاه‌تر با نوسانات فکری و گرایش‌های تغییر یابنده سیاسی شهروندان سازگارتر است، در حالی که دراز بودن نامعقول این دوره ممکن است صاحب این مقام را به علت استقرار بلند مدت به سوی تمرکزطلبی یا دست کم محافظه‌کاری سوق دهد و بین شیوه‌های مورد پسند سیاسی او و رأی‌دهندگان فاصله ایجاد کند. عده‌ای دیگر طولانی بودن دوره ریاست جمهوری را در جهت ثبات حکومت و حفظ خطوط کلی حاکم بر کشور تجویز می‌کنند. به پندار این دسته هرچه دوره طولانی‌تر باشد امکان تغییرات و تحولات سریع و برهم‌زننده نظام حاکم کم‌تر خواهد بود. یعنی متصدی این مقام محور ثابت حفظ مبانی کشور تلقی می‌گردد و تطورات شتاب‌آلود سیاسی در اثر تعویض متصدیان تغییرپذیر تقنینی و اجرایی نخواهد توانست تصویر کلی ساختمان‌بندی نظام را با وجود چنین محور ثابتی متزلزل کند». تعیین وظایف تأمین استمرار حکومت و مراقبت بر سرنوشت ملت برای رئیس‌جمهور در قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه به پذیرش دوره طولانی هفت ساله ریاست جمهوری مانند قوانین اساسی جمهوری‌های سوم و چهارم منجر شد. ایفای نقش داور و محرومیت رئیس‌جمهور از دخالت فعال

۴. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، دی ماه ۱۳۷۲، ص ۵۶۵.

5. Bernard Chantebout, *Droit constitutionnel*, Paris, Armand Colin, 20e édition, 2003, p. 437.

۶. تعیین نقش رییس‌جمهور در زمان تدوین قانون اساسی جمهوری پنجم موضوع اصلی اختلاف‌نظر بین ژنرال شارل دوگل (Charles de Gaulle) و وزرای حکومتی (Ministres d'Etat) را تشکیل می‌داد. دوگل به ایفای نقش فعال رییس‌جمهور در حیات سیاسی اعتقاد داشت اما وزرای او

در حیات سیاسی، طولانی بودن دوره ریاست جمهوری را توجیه می‌کرد اما دوره هفت ساله ریاست جمهوری نمی‌توانست با افزایش اقتدارات متصدی این مقام سازگار باشد. دوره هفت ساله ریاست جمهوری از زمانی مورد انتقاد قرار گرفت که رئیس‌جمهور به عنوان رئیس واقعی مجریه مطرح گردید.

بازنگری قانون اساسی برای کاهش دوره ریاست جمهوری از هفت به پنج سال ابتدا توسط رئیس‌جمهور ژرژ پومپیدو در سال ۱۹۷۳ پیشنهاد شد که در مجالس ملی و سنا با اکثریت ضعیف تصویب گردید. به دلیل مخالفت اقلیت پارلمانی و تردیدهای شدید بخشی از نمایندگان اکثریت و لذا امکان عدم کسب اکثریت سه پنجم در کنگره برای تصویب نهایی متن بازنگری، رئیس‌جمهور پومپیدو به‌رغم دعوت از کنگره موضوع را معلق کرد. به نظر وی متن پیشنهادی فاقد اهمیت لازم برای استفاده از همه‌پرسی به منظور تصویب نهایی بود. رئیس‌جمهور والرئ ژیسکاردستن و رئیس‌جمهور فرانسوا میتران نیز موافق کاهش دوره ریاست جمهوری بوده‌اند. فرانسوا میتران ابتدا موافقت خویش با

می‌خواستند که رئیس‌جمهور بیش از هر چیز سمبل حکومت و استمرار آن باشد. به منظور توافق بر راه‌حلی بینابین، طرفین نقش داور (arbitrage) را پذیرفتند. داور یعنی کسی که حل اختلاف می‌کند. حل اختلاف و داور در زمین‌های ورزشی بر اساس قواعد از قبل تعریف شده است که این موضوع به بی‌طرفی‌اش منجر می‌شود، اما ایفای نقش داور لزوماً با بی‌طرفی همراه نیست. رئیس‌جمهور نمی‌تواند فقط یک داور به معنای ورزشی واژه باشد زیرا وی ضامن استقلال ملی است و در مقام حل و فصل اختلافات با لحاظ منافع عالی کشور تصمیم‌گیری می‌کند. نک:

Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 433

7. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 437.

8. Georges Pompidou,

9. Louis Favoreu et al., *Droit constitutionnel*, Paris, Dalloz, 6e édition, 2003, p. 583

10. Valéry Giscard d'Estaing

11. François Mitterrand

دوره هفت سال اما غیرقابل تجدید ریاست جمهوری را در سال ۱۹۸۱ ابراز اما در نامه‌ای به فرانسویان در سال ۱۹۸۸ اعلام کرد که در صورت تمایل اکثریت گسترده پارلمانی و دولت بر کاهش دوره ریاست جمهوری از هفت به پنج سال وی نیز به آنان ملحق می‌شود، به شرط اینکه تجدید انتخاب تنها برای یک دوره امکان‌پذیر باشد. *میتران* می‌دانست که دوره پنج ساله ریاست جمهوری به دخالت فعال رئیس‌جمهور در حیات سیاسی منجر می‌شود، لذا اعتقاد خویش بر لزوم ممنوعیت تصدی بیش از دو دوره متوالی را در صورت کاهش دوره ریاست جمهوری از هفت به پنج سال اعلام کرد. «کمیته مشورتی برای بازنگری قانون اساسی» به ریاست استاد ژرژ ودل^{۱۳} در گزارش خویش به نفع دوره هفت ساله ریاست جمهوری نظر داد که این موضوع بر عدم ابتکار بازنگری توسط *فرانسوا میتران* تأثیرگذار بوده است. اما تحقق دوره پنج ساله هم‌زیستی با ریاست

12. Documents d'études, *Le Président de la Cinquième République*, Documents réunis et commentés par Christian Bigaut, Paris, Documentations françaises, 2000, p. 53

۱۳. این کمیته به ابتکار رئیس‌جمهور فرانسوا میتران در سال ۲۰۰۲ تشکیل شد تا مطالعاتی را درباره بازنگری احتمالی قانون اساسی جمهوری پنجم انجام دهد. کمیته ودل گزارش خویش را در تاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۳ منتشر کرد.

14. Georges Vedel.

15. Louis Favoreu et al., *op. cit.* p. 583.

۱۶. هم‌زیستی یا *cohabitation* به دوره‌ای گفته می‌شود که رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر فرانسه از دو جناح سیاسی متفاوت (چپ و راست) می‌باشند. در واقع به دلیل مسئولیت سیاسی دولت در برابر مجلس ملی، رئیس‌جمهور فرانسه در عمل موظف است شخصی را به نخست‌وزیری منصوب کند که دارای اکثریت موافق در مجلس ملی است. لذا اگر اکثریت مجلس ملی در اختیار احزاب مخالف رئیس‌جمهور قرار گیرد، نخست‌وزیر از جناح سیاسی مخالف رئیس‌جمهور انتخاب می‌گردد زیرا مجلس



جمهوری ژاک شیراک^{۱۷} راست‌گرا و نخست‌وزیری لیونل ژوسپین^{۱۸} چپ‌گرا (سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲) سبب شد تا بار دیگر والری ژیسکاردستن در سال ۲۰۰۰ ضرورت کاهش دوره ریاست جمهوری را مطرح کند. پیرو استقبال پارلمان و نخست‌وزیر ژوسپین از این پیشنهاد، رئیس‌جمهور شیراک که پیش از این مخالفت خویش با کاهش دوره ریاست جمهوری را اعلام کرده بود ابتکار بازنگری را در دست گرفت و قانون بازنگری قانون اساسی در همه‌پرسی مورخ ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰ به تصویب مردم رسید. همه‌پرسی کاهش دوره ریاست جمهوری از هفت به پنج سال اولین همه‌پرسی‌ای است که در جمهوری پنجم برای بازنگری قانون اساسی مطابق سازوکار ماده ۸۹ قانون اساسی برگزار گردید. کاهش دوره ریاست جمهوری با بی‌تفاوتی مردم در همه‌پرسی به تصویب رسید زیرا حدود هفتاد درصد ثبت‌نام‌شدگان روی فهرست‌های انتخاب‌کنندگان در رأی‌گیری شرکت نکردند. یکی از دلایل عدم مشارکت و بی‌تفاوتی عمومی در قبال همه‌پرسی اتفاق‌نظر نسبی اندیشمندان و سیاستمداران بر موافقت با کاهش دوره ریاست جمهوری بود به گونه‌ای که هیچ تردیدی درباره پیروزی رأی مثبت در همه‌پرسی وجود نداشت. دوره پنج ساله ریاست جمهوری، دموکراسی فرانسه

ملی می‌تواند دولتی را که از جناح سیاسی مخالف است با نپذیرفتن برنامه‌اش یا با یک طرح سانسور (مشابه استیضاح) ساقط کند.

17. Jacques Chirac.

18. Lionel Jospin.

۱۹. ژاک شیراک در مصاحبه تلویزیونی ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۷ اعلام کرد که دوره پنج سال ریاست جمهوری، نظام سیاسی را تقریباً اتوماتیک‌وار به نظام ریاستی می‌کشانند و او مخالف نظام ریاستی است.

20. Roland Debbasch, *Droit constitutionnel*, Paris, Litec, 2e édition, 2001, p. 139.

21. Pierre Pactet, *Institutions politiques Droit constitutionnel*, Paris, Armand Colin, 21e édition, 2002, p. 426.

را به سایر دموکراسی‌های بزرگ در حوزه طول دوره نمایندگی رئیس‌جمهور نزدیک می‌کند. کاهش دوره ریاست جمهوری به معنای پذیرش نقش فعال ریاست جمهوری در حیات سیاسی و قدمی دیگر برای تحول نظام سیاسی به سوی ویژگی ریاستی است. در اثر برخورداری از حمایت رأی‌دهندگان، دول تحت اقتدار رئیس‌جمهور قرار می‌گیرد. این تحول در قانون اساسی گنجانده نشد، لذا در صورت از دست دادن حمایت رأی‌دهندگان در انتخابات مجلس ملی رئیس‌جمهور به اختیارات ویژه‌اش می‌پردازد که بسیار محدود می‌باشند.

درباره بازگزینی یا بازانتخاب‌پذیری رئیس‌جمهور نیز بین صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد. عده‌ای انتخاب مجدد رئیس‌جمهور را بلامانع می‌دانند و در مورد اینکه رئیس‌جمهوری به نیکی از عهده وظایف قانونی برآمده است حتی آن را پاداش حسن خدمت و وجهه سیاسی و اجتماعی او و سرآخر تشویق صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها می‌پندارند. لکن عده‌ای دیگر انتخاب دوباره و چندباره یک فرد به ریاست جمهوری را زمینه‌ساز تداوم و تمرکز قدرت تلقی می‌کنند و سرانجام ناسودمندش می‌شمارند، زیرا جلوی بخت‌آزمایی سایر نامزدها را می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد که دیگران و شایسته‌تران در یک رقابت کم و بیش سالم و برابر با رئیس‌جمهوری در رأس قدرت دست و پنجه نرم کنند و با پیروزی خویش خون جدیدی در پیکر جمهوری روان سازند. مطابق قانون اساسی جمهوری دوم فرانسه مصوب ۱۸۴۸ (مواد ۴۵ و ۴۶) که دوره ریاست

22. Edward Arkwright et al., *Les institutions de la France*, Paris, Documentations françaises, 2004, p. 60.

23. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 432.

24. Rééligibilité.

۲۵. قاضی، ابوالفضل، پیشین، صص ۵۶۶-۵۶۵.

۲۶. جمهوری دوم فرانسه (۱۸۵۱-۱۸۴۸).

جمهوری را چهار سال می‌دانست، انتخاب مجدد رئیس‌جمهور پس از فاصله‌ای چهار ساله از پایان دوره ریاست جمهوری امکان‌پذیر بود. این موضوع به کودتای مورخ ۲ دسامبر ۱۸۵۱ رئیس‌جمهور لویی ناپلئون برای بقا در قدرت سیاسی منجر گردید. قانون اساسی جمهوری سوم (ماده ۲ قانون مورخ ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ راجع به سازمان قوای عمومی) بازانتخاب‌پذیری رئیس‌جمهور را بلافاصله می‌پذیرفت و قانون اساسی جمهوری چهارم مصوب ۱۹۴۶ (ماده ۲۹) انتخاب مجدد رئیس‌جمهور را تنها برای یک بار دیگر شناسایی می‌کرد. در متن مصوب ۱۹۵۸ قانون اساسی جمهوری پنجم هیچ محدودیتی برای بازانتخاب‌پذیری متوالی یا غیرمتوالی رئیس‌جمهور پیش‌بینی نشده بود. به دلیل عدم تعیین محدودیت برای تجدید انتخاب، رؤسای جمهور در حال فعالیت می‌توانستند در رقابت انتخاباتی بعدی به صورت متوالی یا غیرمتوالی داوطلب گردند اما بازنگری قانون اساسی در سال ۲۰۰۸ به تعیین محدودیت توسط قانون‌گذار اساسی منجر گردید.

رئیس‌جمهور نیکولا سارکوزی^{۳۱} در سال ۲۰۰۷ کمیته‌ای مرکب از حقوق‌دانان و سیاستمداران را تحت عنوان «کمیته تأمل و پیشنهاد برای مدرن‌سازی و بازمتوازن‌سازی نهادهای جمهوری پنجم»^{۳۲} به ریاست نخست‌وزیر اسبق فرانسه

27. Documents d'études, Le Président de la Cinquième République, op. cit, p. 4

28. Jean Gicquel, *Droit constitutionnel et institutions politiques*, Paris, Montchrestien, 16e édition, 1999, p. 534.

۲۹. جمهوری سوم فرانسه (۱۸۷۰-۱۹۴۰).

۳۰. جمهوری چهارم فرانسه (۱۹۴۶-۱۹۵۸).

31. Nicolas Sarkozy .

32. Comité de réflexion et de proposition sur la modernisation et le rééquilibrage des institutions de la Vème République .

آقای ادوارد بالادور^{۳۳} تشکیل داد تا پس از بررسی‌های لازم پیشنهادهایی را به منظور بازنگری احتمالی در قانون اساسی ارائه کند. در گزارش کمیته بالادور که در روز دوشنبه ۲۹ اکتبر ۲۰۰۷ تقدیم رئیس‌جمهور شد تأملاتی راجع به توالی دوره ریاست جمهوری نیز وجود دارد: «درباره تعداد نمایندگی‌های متوالی رئیس‌جمهور احساس کمیته این است که "زمان سیاسی" مطلوب در مجموع دموکراسی‌های بزرگ برای تصدی و اعمال قدرت از ده سال تجاوز نمی‌کند. با اعتقاد به این مطلب اما نگران از خدشه بر حاکمیت رأی^{۳۴}، اکثریت اعضای کمیته معتقدند که با توجه به بازنگری متن ماده ۶ قانون اساسی در ۲ اکتبر ۲۰۰۰ و تعیین دوره پنج ساله ریاست جمهوری، پیش‌بینی عدم امکان انتخاب بیش از دوبار رئیس‌جمهور بی‌فایده و حتی نامناسب است^{۳۵}». پیشنهاد کمیته بالادور عدم تعیین محدودیت برای توالی انتخاب به ریاست جمهوری بود و حال آنکه رئیس‌جمهور سارکوزی بارها اعتقاد خویش بر لزوم محدودیت بازانتخاب‌پذیری و سازگاری مناسب‌تر ممنوعیت انتخاب بیش از دو دوره متوالی رئیس‌جمهور با دموکراسی را اعلام کرده بود. لذا ممنوعیت انتخاب بیش از دو دوره متوالی به ریاست جمهوری در متن پیشنهادی بازنگری قانون اساسی درج شد که در قالب بند ۲ ماده ۶ قانون اساسی به صورت ذیل در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۸ توسط کنگره تصویب گردید: «هیچ‌کس نمی‌تواند بیش از دو نمایندگی متوالی را انجام دهد». بند ۱ ماده ۶ قانون اساسی درباره انتخاب مستقیم و همگانی رئیس‌جمهور است.

33. Edouard Balladur.

34. Souveraineté du suffrage

35. Cf. p. 24 du rapport du Comité sur le web. <http://www.comite-constitutionnel.fr>.

ب. انتخاب مستقیم و همگانی ریاست جمهوری

رؤسای جمهوری‌های سوم و چهارم فرانسه توسط اعضای پارلمان با گردهمایی در مجلس ملی (جمهوری سوم) یا کنگره (جمهوری چهارم) انتخاب می‌شدند. انتخاب رئیس‌جمهور توسط نمایندگان پارلمانی یکی از دلایل اصلی تضعیف ریاست جمهوری در جمهوری‌های سوم و چهارم بود، زیرا مجلسین تلاش می‌کردند تا رئیس‌جمهور را از بین شخصیت‌های فاقد توانایی لازم برای برخورد با انحراف نهادهای سیاسی انتخاب کنند. تلقی جدید از کارکرد ریاست جمهوری در زمان تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری پنجم یعنی نقش داوری رئیس‌جمهور و رأی نهادهای تقنینی و اجرایی، انتخاب رئیس‌جمهوری مصون از تغییرات ناگهانی مجالس قانون‌گذاری را اجتناب‌ناپذیر می‌کرد. اصل انتخاب ریاست جمهوری توسط مجالس قانون‌گذاری کنار گذاشته شد اما امکان پذیرش انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط مردم نیز وجود نداشت. سه دلیل عمده مخالفت با انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور را توجیه می‌کرد: نخست، با توجه به سابقه انتخاب مستقیم و همگانی رئیس‌جمهور در جمهوری دوم حتی شارل دوگل و میشل دوبره^{۳۸} نظر مساعدی به این روش انتخاب نداشتند. اندیشه انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور در زمان تدوین قانون اساسی مطرح گردید اما مورد

36. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 435.

۳۷. جمهوری دوم فرانسه (۱۸۵۲-۱۸۴۸) توسط رئیس‌جمهور منتخب رأی‌گیری همگانی (مردان) مستقیم یعنی لویی ناپلئون با عنوان ناپلئون سوم کم‌کم از جمهوری به امپراتوری تبدیل شد. نک: نقیب‌زاده، احمد، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، سمت، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۳۲-۱۳۰.

38. Michel Debré.

پذیرش دولت^{۳۹} قرار نگرفت زیرا با لحاظ سوابق تاریخی و ساختار حکومتی متمرکز فرانسه این ترس وجود داشت که رئیس‌جمهور منتخب رأی‌گیری همگانی مستقیم به دیکتاتوری تمایل یابد.^{۴۰} انتخاب مستقیم و همگانی ریاست جمهوری با ایفای نقش به نسبت کم‌رنگ متصدی این مقام در صحنه سیاسی نیز سازگاری نداشت. دوم، رئیس‌جمهور فرانسه همزمان ریاست اتحادیه فرانسوی متشکل از فرانسه و مستعمرات آن را نیز عهده‌دار بود. مشارکت مردمان وابسته به سرزمین‌های عضو اتحادیه می‌بایست در فرایند انتخاب رئیس‌جمهور تأمین گردد. مردمان وابسته به سرزمین‌های عضو اتحادیه کم‌تر تحت تأثیر فعالیت رئیس‌جمهور فرانسه قرار می‌گرفتند و لذا مشارکت تعیین‌کننده آنان در انتخاب ریاست جمهوری توجیه نداشت. رئیس‌جمهور نمی‌بایست در یک انتخاب همگانی و مستقیم توسط مردم آفریقا (مستعمرات فرانسه) بر فرانسویان تحمیل شود. سوم، انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور می‌توانست نقش حزب کمونیست را (به دلیل جایگاه آن در سال ۱۹۵۸) در انتخاب رئیس‌کشور بسیار پررنگ نماید. به منظور جلوگیری از تقویت جایگاه کمونیست‌ها، طرفداران دوگل از تصویب شیوه مستقیم انتخاب رئیس‌جمهور خودداری کردند.

بین انتخاب غیرمستقیم توسط مجالس قانون‌گذاری و انتخاب مستقیم توسط مردم می‌بایست روش میانه‌ای را پذیرفت و لذا انتخاب رئیس‌جمهور توسط

۳۹. متن قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه توسط دولت وقت یعنی دوگل (نخست‌وزیر) و وزرای حکومتی (سران احزاب سیاسی) تدوین و پس از مشورت با کمیته مشورتی قانون اساسی و شورای دولتی در همه‌پرسی مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۸ با ۸۵/۱ درصد آرای مثبت به تصویب مردم فرانسه رسید.

40. Documents d'études, *Constitution française du 4 octobre 1958*, Paris, Documentations françaises, 2002, p. 17.

41. Chef d'Etat.

نخبگان پیش‌بینی گردید. ماده ۶ قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۹۵۸ مقرر می‌داشت: «رئیس‌جمهور برای هفت سال توسط هیأت انتخاب‌کنندگان مرکب از اعضای پارلمان، شوراهای شهرستان و مجالس سرزمینی آن سوی دریاها (ماورای بحار) و نیز نمایندگان منتخب شوراهای کمون (شهر یا روستا) انتخاب می‌شود. این نمایندگان عبارتند از شهردار (یا دهیار) برای کمون‌های کم‌تر از ۱۰۰۰ سکنه، شهردار و اولین معاون برای کمون‌های ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سکنه، شهردار، اولین معاون و یک عضو شورای کمون برگزیده مطابق ردیف فهرست برای کمون‌های ۲۰۰۱ تا ۲۵۰۰ سکنه، شهردار، دو نفر اول از معاونان برای کمون‌های ۲۵۰۱ تا ۳۰۰۰ سکنه، شهردار، دو نفر اول از معاونان و سه عضو شورای کمون برگزیده مطابق ردیف فهرست برای کمون‌های ۳۰۰۱ تا ۶۰۰۰ سکنه، شهردار، دو نفر اول از معاونان و شش عضو شورای کمون برگزیده مطابق ردیف فهرست برای کمون‌های ۶۰۰۱ تا ۹۰۰۰ سکنه، تمام اعضای شورای کمون برای کمون‌های بیش از ۹۰۰۰ سکنه، به علاوه، برای کمون‌های بیش از ۳۰۰۰۰ سکنه نمایندگان تعیین‌شده توسط شورای کمون یک نفر در ازای ۱۰۰۰ سکنه بیش از ۳۰۰۰۰. در سرزمین‌های آن‌سوی دریاها جمهوری، نمایندگان منتخب شورای واحدهای اداری تحت شرایط مقرر توسط یک قانون ارگانیک، عضو هیأت انتخاب‌کنندگان می‌باشند. مشارکت دولت‌های عضو اتحادیه در هیأت انتخاب‌کنندگان رئیس‌جمهور طبق توافق بین جمهوری و دولت‌های عضو اتحادیه تعیین می‌گردد. شیوه‌های اجرای ماده حاضر توسط یک قانون ارگانیک تعیین می‌شوند.»

۴۲. شیوه‌های اجرای ماده ۶ قانون اساسی ابتدا با تصویب نامه ارگانیک شماره ۱۰۶۴-۵۸ مورخ ۷ نوامبر ۱۹۵۸ تعیین گردید. قانون ارگانیک شماره ۱۲۹۲-۱۹۶۲ مورخ ۶ نوامبر ۱۹۶۲ تغییرات زیادی در مقررات این تصویب‌نامه انجام داد تا اینکه قانون ارگانیک شماره ۲۲۳-۲۰۰۷ مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۷ جایگزین آن شد.

اندیشه انتخاب رئیس‌جمهور توسط نخبگان توسط باردو^{۴۳} در سال ۱۹۳۶،
 آندره تاردیو^{۴۴} در کتاب «وظیفه پارلمانی» در سال ۱۹۳۷، میشل دوبیره^{۴۵} در کتاب
 «نوسازی فرانسه» در سال ۱۹۴۳، ژنرال دوگل در سخنرانی بایو^{۴۶} و سپس میشل
 دوبیره در یادداشتی به ژنرال دوگل در تاریخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۴۸ مطرح گردید. نظام
 پیشنهادی حتی مشارکت وابستگان به دنیای دانشگاهی، قضایی و سندیکایی در
 انتخاب ریاست جمهوری را پیش‌بینی می‌کرد. پیشنهاددهندگان نظام مذکور
 معتقدند که نخبگان با مسایلی آشنایی کامل دارند که از توجه سایر شهروندان به
 دور است.^{۴۶} همین موضوع زمینه پذیرش گزینه انتخاب رئیس‌جمهور توسط
 نخبگان را در زمان تدوین قانون اساسی جمهوری پنجم فراهم کرد. تعداد
 نمایندگان هریک از شوراهای کمون در هیأت انتخاب‌کنندگان ریاست جمهوری
 با توجه به جمعیت آن‌ها متفاوت بود. قانون‌گذار اساسی به صورت نسبی در
 ازای هر ۱۰۰۰ سکنه یک نماینده از هر کمون را در هیأت انتخاب‌کنندگان
 ریاست جمهوری جای می‌داد. به این ترتیب نقش نمایندگان و منتخبان محلی
 یعنی اعضای شوراهای شهرستان و کمون از نقش نمایندگان و منتخبان ملی یعنی
 اعضای مجلسین ملی و سنا در فرایند انتخاب ریاست جمهوری بسیار جدی‌تر
 می‌گردید. انتخاب رئیس‌جمهوری پنجم توسط هیأت انتخاب‌کنندگان در مقایسه
 با دو جمهوری پیشین که اختیار انتخاب رئیس‌جمهور را فقط به اعضای پارلمان
 اعطا می‌کرد یک پیشرفت محسوب می‌شد، اما با اهمیت وظایف رئیس‌جمهور

43. Bardoux.

44. André Tardieu.

45. Bayeux.

46. Bernard Chantebout, op. cit, p. 436.

تناسب نداشت.^{۴۷} ایفای نقش داوری توسط ریاست جمهوری متصدی این مقام را به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی فرانسه در جایگاهی بالاتر از نهادهای تقنینی و اجرایی قرار می‌دهد. انجام مطلوب وظیفه داوری و سایر وظایف مهم ریاست جمهوری نیازمند حقانیت مردمی بالایی است. لذا انتخاب رئیس‌جمهوری پنجم فرانسه توسط نخبگان فقط یکبار در ۲۱ دسامبر ۱۹۵۸ اجرا، که به انتخاب ژنرال دوگل به عنوان نخستین رئیس‌جمهوری پنجم در اولین مرحله انتخاب منجر شد. تجربه برگزاری سه همه‌پرسی از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۲ برای ژنرال دوگل و میشل دوبره ثابت کرد که رفتار نخبگان تا چه اندازه می‌تواند با رفتار مردم عادی متفاوت باشد.^{۴۸} لذا با استفاده از مقبولیت ناشی از همه‌پرسی‌های راجع به الجزایر^{۴۹}، دوگل در ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۲ اعلام می‌کند که به پیشنهاد دولت تصمیم گرفته است مستقیماً به مردم فرانسه لایحه‌ای قانونی را ارائه کند که هدف آن تغییر قانون اساسی است تا رئیس‌کشور با رأی‌گیری همگانی مستقیم انتخاب گردد. دوگل می‌دانست که وقایع تاریخی اعتماد ملت و اقتدار ناشی از آن را به وی داده‌اند اما برای حفظ استحکام کشور و نیروی اجرایی، جانشینان او که این برگ برنده‌ها را ندارند باید در رأی‌گیری همگانی انتخاب شوند. آیین اتخاذی برای بازنگری قانون اساسی بر ماده ۱۱ قانون اساسی مبتنی بود که امکان واگذاری لوایح قانونی به همه‌پرسی را برای رئیس‌جمهور شناسایی می‌کند. اما

47. Louis Favoreu et al., op. cit, pp. 579-580.

48. Bernard Chantebout, op. cit, p. 436.

۴۹. اولین همه‌پرسی در ژانویه ۱۹۶۱ درباره اصل تعیین سرنوشت و دومین همه‌پرسی در آوریل ۱۹۶۲ درباره تصویب توافقات/ویان (Evian) انجام شد. اولین همه‌پرسی با هفتاد و پنج درصد آرای مثبت و دومین همه‌پرسی با نود و یک درصد آرای مثبت تصویب شدند.

50. Rolland Debbasch, op. cit, pp 137-138.

ماده ۱۱ قانون اساسی هیچ ارتباطی با موضوع بازنگری در قانون اساسی ندارد زیرا ماده ۸۹ قانون اساسی آیین انحصاری بازنگری قانون اساسی را تعیین کرده است: «ابتکار بازنگری بر عهده رئیس‌جمهور با پیشنهاد نخست‌وزیر و بر عهده اعضای پارلمان است که در هر دو صورت باید رأی موافق مجلسین ملی و سنا برای بازنگری اخذ گردد. متن مصوب مجلسین از طریق همه‌پرسی به تصویب نهایی مردم می‌رسد. در صورت بازنگری به ابتکار دولت، علاوه بر امکان تصویب نهایی از طریق همه‌پرسی، رئیس‌جمهور می‌تواند با دعوت از کنگره متن پیشنهادی بازنگری را با رأی موافق اکثریت سه پنجم اعضای مجلسین تصویب نهایی نماید.»^{۵۲} مراجعه مستقیم به همه‌پرسی ماده ۱۱ برای بازنگری قانون اساسی بدون دخالت مجلسین هیچ هدفی جز دور زدن مخالفت احتمالی پارلمان نداشت. استفاده از ماده ۱۱ قانون اساسی برای بازنگری اساسی در سال ۱۹۶۲ آشکارا با قانون اساسی مغایرت داشت.^{۵۳} در گزارش کمیته استاد ودل نیز غیراساسی بودن آیین اتخاذی سال ۱۹۶۲ برای بازنگری قانون اساسی به طور ضمنی تأیید شده است.^{۵۴} بازنگری اساسی سال ۱۹۶۲ در ظاهر فقط مواد ۶ و ۷ قانون اساسی را درباره روش انتخاب ریاست جمهوری از انتخاب غیرمستقیم توسط نخبگان به انتخاب همگانی مستقیم توسط مردم تغییر داد اما بر سایر قسمت‌های قانون اساسی نیز به شدت تأثیر گذاشت. برای انتخاب رئیس‌جمهور،

۵۱. مطابق قانون بازنگری اساسی شماره ۸۸۰-۹۵ مورخ ۴ اوت ۱۹۹۵ در صورت پیشنهاد همه‌پرسی توسط دولت نیز متن پیشنهادی باید در مجلسین به شور گزارده شود. این حکم در متن مصوب ۱۹۵۸ ماده ۱۱ وجود نداشت.

52. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 450.

53. Inconstitutionnalité.

54. Henry Roussillon, *Le Conseil constitutionnel*, Paris, Dalloz, 4e édition, 2001, p. 156.

مردم فرانسه در جریان رقابتی قرار می‌گیرند که ماه‌ها طول می‌کشد. رئیس‌جمهور منتخب مستقیم مردم در چنین رقابتی نمی‌تواند به ایفای وظایف فرعی و داوری اکتفا کند. در واقع توازن مطلوب نظام پارلمانی که قانون‌گذار اساسی می‌خواست با منطقی کردن نظام پارلمانی^{۵۶} و با تعیین رئیس‌جمهوری داور و رأی دولت و مجلس ملی مستقر کند جملگی متحول گردید. بازنگری مذکور اقتدار رئیس‌جمهور را افزایش داد^{۵۷} و به وی حقانیت مردمی‌ای اعطا کرد که برخوردار از آن تا پیش از این مختص پارلمان بود^{۵۸}. این حقانیت دخالت فعال رئیس‌جمهور در حیات سیاسی را توجیه می‌کند^{۵۹}.

در گزارش کمیته بالادور تأملاتی راجع به شیوه گزینش^{۶۰} داوطلبان ریاست جمهوری وجود دارد. اعضای کمیته معتقدند که دوره نظام گزینش داوطلبان با جمع‌آوری پانصد امضا و معرفی نامه‌ها از متخبان به پایان رسیده است و باید نظام دیگری پیشنهاد کرد که ضمن پذیرش نقش شهروندان در معرفی داوطلبان از ازدیاد بی‌رویه داوطلبی نیز جلوگیری کند. به این منظور کمیته توصیه می‌کند که قانون ارگانیک پیش‌بینی‌شده در ماده ۶ قانون اساسی اصلاح گردد تا گزینش داوطلبان را به هیأتی مرکب از چند صد هزار نفر منتخب متشکل از اعضای پارلمان، اعضای شوراهای مناطق، اعضای شوراهای شهرستان، شهرداران (یا

55. Rationnalisation parlementaire .

56. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 452.

57. Louis Dubouis et Gustave Peiser, *Droit public*, Paris, Dalloz, 14^e édition , 1999, p. 1.

58. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 450.

59. Jean-Claude Masclet et Jean-Paul Valette, *Droit constitutionnel et institutions politiques*, Paris, Dalloz, 2^e édition, 1997 p. 185.

60. Sélection,

دهیاران) و نمایندگان شوراهای کمون برگزیده به تناسب جمعیت آن‌ها واگذار کند. اعضای هیأت باید ملزم به رأی دادن باشند (رأی اجباری) و در مرکز شهرستان گرد هم بیایند تا با رأی مخفی داوطلب مورد نظر خویش را گزینش کنند. طبیعت این شیوه از انتخاب داوطلبان که در یک روز معین پیش از شروع تبلیغات انتخابات اصلی انجام می‌شود به گونه‌ای است که در صورت ضرورت کسب درصد خاصی از آرا برای داوطلبی و نیز تعیین مرزهای حداقلی برای کسب آرا در تعداد معینی از شهرستان‌ها می‌تواند از افزایش بی‌رویه داوطلبان جلوگیری کند. پیشنهاد دیگر کمیته بالادور این است که اختیار معرفی داوطلبان را به تعداد خاصی از شهروندان اعطا کرد. این پیشنهاد با موانع فنی به خصوص راجع به نظارت بر امضاها روبه‌رو است و در صورت غیاب یا مانعیت قطعی رئیس‌جمهور با مشکل جمع‌آوری سریع امضاها نیز مواجه می‌گردد. کمیته بالادور پیشنهاد می‌کند که صدر ماده ۷ قانون اساسی به این صورت تغییر کند: "رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آرای ابراز شده، از بین داوطلبان صلاحیت‌دار برای ارائه کردن داوطلبی‌شان تحت شرایط پیش‌بینی‌شده توسط یک قانون ارگانیک، انتخاب می‌شود".^{۶۳} پیشنهاد اخیر کمیته یادآور هیأت انتخاب‌کنندگان مذکور در متن مصوب ۱۹۵۸ ماده ۶ قانون اساسی است که در نظام پیشنهادی به جای انتخاب نهایی رئیس‌جمهور به گزینش ابتدایی داوطلبان ریاست جمهوری

۶۱. غیاب (Vacance) به معنای خالی شدن سمت در اثر عواملی مانند فوت، کناره‌گیری، پایان دوره یا عزل است.

۶۲. مانعیت (Sélection) قطعی در اثر عواملی مانند بیماری شدید و درمان ناپذیری یا دیوانگی تحقق می‌یابد. اعلام مانعیت قطعی رئیس‌جمهور توسط شورای قانون اساسی به معنای پایان دوره ریاست جمهوری متصدی این مقام است.

63. Cf. pp 24et 26du rapport du Comité sur le web. <http://www.comite-constitutionnel.fr>.

می‌پردازد تا انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط مردم خدشه‌دار نگردد. انتخاب ریاست جمهوری با نظام اکثریت مطلق دو مرحله‌ای است.

ج. انتخاب ریاست جمهوری با نظام اکثریت مطلق

قانون‌گذار اساسی جمهوری پنجم برای انتخاب رئیس‌جمهور، نظام انتخابات اکثریت دو مرحله‌ای را برگزیده است. نظام اکثریت دو مرحله‌ای نظامی فرانسوی است و «بیشترین وابستگی را با تاریخ سیاسی فرانسه دارد».^{۶۴} مطابق متن مصوب ۱۹۵۸ ماده ۷ قانون اساسی جمهوری پنجم، برای انتخاب به ریاست جمهوری در مرحله اول کسب اکثریت مطلق لازم اما در مرحله دوم کسب اکثریت نسبی کافی بود. در نظام اکثریت نسبی نامزد حایز بیشترین آرا در مقایسه با سایرین، حتی با اختلاف یک رأی و بدون لحاظ درصد آرای اکتسابی، پیروز می‌شود اما در نظام اکثریت مطلق نامزد حایز بیش از نصف آرا پیروز انتخابات است. اکثریت مطلق در مقایسه با اکثریت نسبی حقانیت مردمی بیشتری را به منتخب اعطا می‌کند. رؤسای جمهوری‌های دوم، سوم و چهارم فرانسه با نظام اکثریت مطلق انتخاب می‌شدند.^{۶۵} متن مصوب ۱۹۵۸ قانون اساسی از انتخاب رئیس‌جمهور با کسب

64. Jean-Claude Zarka, *Les systèmes électoraux*, Paris, Ellipses, 1996 p. 4.

65. کسب اکثریت مطلق آرای ابرازشده در پارلمان برای انتخاب به ریاست جمهوری لازم بود. ونسان اوریول (Vincent Auriol) در همان مرحله اول رأی‌گیری در تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۹۴۷ به عنوان اولین رئیس‌جمهوری چهارم فرانسه انتخاب شد اما رنه کوتی (René Coty) سرآخر در مرحله سیزدهم رأی‌گیری در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۵۳ به عنوان دومین و آخرین رئیس‌جمهوری چهارم فرانسه انتخاب گردید. نک:

Documents d'études, *Modes de scrutin et systèmes électoraux.*, Documents réunis et commentés par Olivier Passelecq, Paris, Documentations françaises, 2000 p. 22.

اکثریت مطلق در مرحله اول سخن می‌گفت و قید «آرای ابراز شده»^{۶۶}، در بازنگری سال ۱۹۶۲ به متن اضافه گردید. بند ۱ ماده ۷ قانون اساسی فرانسه مقرر می‌دارد: «رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آرای ابراز شده انتخاب می‌شود. اگر این اکثریت در اولین مرحله رأی‌گیری کسب نشود، پانزده روز بعد، مرحله دوم انجام می‌گیرد. در این مرحله فقط دو داوطلب حایز بیشترین تعداد آرا در مرحله اول می‌توانند حاضر شوند و در صورت کناره‌گیری این داوطلبان، دو نفر حایز بیشترین آرا از نامزدهای باقی‌مانده می‌توانند حاضر شوند».

محاسبه اکثریت مطلق آرا در انتخاب ریاست جمهوری، بر اساس آرای ابراز شده است و شمار آرای ابراز شده به ندرت با شمار رأی‌دهندگان برابری می‌کند. رأی‌دهندگان به ثبت نام شدگان روی فهرست‌های انتخاب‌کنندگان که از حق رأی خویش استفاده کرده‌اند اطلاق می‌گردد. مجموع آرای مأخوذه از ثبت نام شدگان روی فهرست‌های انتخاباتی بدون آرای سفید و باطل را آرای ابراز شده می‌گویند. مطابق ماده ۶۶ کد (مجموعه قوانین و مقررات) انتخاباتی فرانسه آرای سفید، آرای نامشخص، آرایایی که در آن رأی‌دهندگان به معرفی خویش پرداخته‌اند، آرای یافت شده بدون پاکت در صندوق یا در پاکت‌های مغایر با قوانین و مقررات، آرای نوشته شده روی کاغذ رنگی، آرا یا پاکت‌های دارای علائم (در داخل یا خارج) مشخص‌کننده رأی‌دهندگان و آرا یا پاکت‌های دارای الفاظ رکیک برای داوطلبان یا اشخاص ثالث در نتیجه شمارش آرا محاسبه نمی‌گردند. این آرا و پاکت‌ها پس از امضا توسط اعضای شعب اخذ رأی به صورت جلسه ضمیمه می‌گردند. مطابق بند ۳ ماده ۶۵ کد مذکور آرای مندرج در

66. Suffrages exprimés.

67. Jean-Claude Masclet, Droit électoral, Paris, puf, 1989 p. 292.

68. Jean-Claude Masclet, *Le droit des élections politiques*, Paris, puf, 1992, p. 93

پاکت حاوی چند برگ رأی متفاوت باطل است اما اگر چند برگ رأی متعلق به یک فرد یا یک فهرست در پاکت باشند یک رأی محسوب می‌گردند. رأی دادن به غیر داوطلبان نیز از اسباب بطلان رأی است. به طور کلی قانون‌گذار فرانسوی تلاش می‌کند تا در راستای تبیین مفهوم رأی ابرازشده موارد ذیل را تضمین کند: ۱) احترام به اراده ابرازشده توسط انتخاب‌کننده (و در نتیجه بطلان برگه‌هایی که اجازه نمی‌دهند اراده وی به صورت قطعی دریافت گردد). ۲) مخفی بودن رأی (و در نتیجه بطلان برگه‌هایی که اجازه می‌دهند رأی‌دهنده را شناخت). ۳) کرامت انتخابات (و در نتیجه بطلان برگه‌ها یا پاکت‌های حاوی کلمات رکیک) و ۴) اعمال صحیح روش رأی‌گیری (بطلان آرای فهرستی در انتخابات تک‌نام یا چندنام). هیچ یک از داوطلبان ریاست جمهوری پنجم فرانسه تاکنون نتوانسته در مرحله اول رأی‌گیری همگانی و مستقیم، اکثریت مطلق آرای ابرازشده را کسب کند. انتخاب رئیس‌جمهوری پنجم همواره به مرحله دوم کشیده شده است. حتی ژنرال دوگل نتوانست در انتخاب مستقیم و همگانی ریاست جمهوری سال ۱۹۶۵ اکثریت مطلق آرای ابرازشده را در مرحله اول کسب نماید که این امر کاملاً غیرمنتظره بود. در تاریخ فرانسه فقط لویی ناپلئون بناپارت در اولین مرحله رأی‌گیری مستقیم و همگانی ریاست جمهوری دوم در ۱۰ دسامبر ۱۸۴۸ با کسب اکثریت مطلق آرا (۷۴ درصد) به پیروزی رسید.

نظر به اطلاق صدر ماده ۷ قانون اساسی مبنی بر لزوم کسب اکثریت مطلق برای انتخاب به ریاست جمهوری باید بر ضرورت کسب اکثریت مطلق توسط یکی از دو داوطلب حاضر در مرحله دوم نیز برای اعلام انتخاب وی به ریاست

69. Jean-Claude Masclet, *Droit électoral*, op. cit, p. 293.

70. Dignité.

71. Bertrand Mathieu et Michel Verpeaux, *Droit constitutionnel*, Paris puf 2004, p. 369.

جمهوری نظر داد. با توجه به قواعد انتخاباتی فرانسه به خصوص عدم لحاظ آرای سفید در جمع آرای ابرازشده اصولاً یکی از داوطلبان مرحله دوم اکثریت مطلق آرا را کسب می‌کند.^{۷۲} اما اگر هر دو داوطلب مرحله دوم استثنائاً آرای برابری را کسب نمایند حکم قانون‌گذار اساسی روشن نیست. امکان تحقق چنین وضعیتی در انتخاب ریاست جمهوری با توجه به شمار بالای رأی‌دهندگان بسیار بعید است و شاید به همین دلیل قانون‌گذار اساسی در این مورد بیانی ندارد. در صورت تحقق این حالت می‌توان به ضرورت تجدید انتخابات نظر داد. زیرا، قانون‌گذار اساسی از یکسو لزوم کسب اکثریت مطلق توسط یکی از داوطلبان را شرط می‌داند و از سوی دیگر فقط امکان برگزاری مرحله دوم انتخابات را پیش‌بینی می‌کند. شورای قانون اساسی می‌تواند لزوم برگزاری دوباره تمام عملیات انتخاباتی (ثبت نام داوطلبان و غیره) را اعلام نماید تا انتخاب رئیس‌جمهوری از نو برگزار شود. در این خصوص استاد ژان ژیکل گزینه‌های دیگری مانند انتخاب مسن‌ترین داوطلب، قرعه یا تقسیم نمایندگی به دو بخش برابر و تفویض هر بخش به یکی از دو داوطلب را به عنوان راه‌حل‌های نظری مطرح می‌کند.

در مرحله دوم انتخاب ریاست جمهوری فقط دو نفر از داوطلبان مرحله اول که آرای بیشتری در مقایسه با سایرین کسب کرده‌اند حاضر می‌شوند، اما معلوم نیست که در صورت کسب آرای برابر توسط دو نفر پس از نفر اول کدام یک از این دو می‌توانند در مرحله دوم رأی‌گیری شرکت کنند. در صورت کناره‌گیری یک یا هر دو داوطلب حایز اکثریت آرای مرحله اول، از باقی‌مانده داوطلبان به

72. Jean Gicquel, *op. cit.*, p. 532.

73. Cf. *ibid.*

جای آنان برای شرکت در مرحله دوم انتخابات جایگزین می‌شوند. ماده ۸ فرمان مورخ ۱۴ مارس ۱۹۶۴ مقرر می‌دارد که کناره‌گیری یا کناره‌گیری‌های احتمالی باید حداکثر تا نیمه شب پنج شنبه پس از مرحله اول رأی‌گیری توسط داوطلبان به شورای قانون اساسی اعلام گردد. تاکنون هیچ‌گاه داوطلبان راه‌یافته به مرحله دوم به نفع داوطلبان بعدی کناره‌گیری نکرده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت تحقق این فرض احتمال بسیار کمی دارد.^{۷۴} امکان حضور فقط دو داوطلب در مرحله دوم انتخاب ریاست جمهوری استثنایی بر رویه انتخاباتی فرانسه است. زیرا، در انتخابات با نظام اکثریت دو مرحله‌ای معمولاً قانون‌گذار فرانسوی با تعیین انتخاب با اکثریت نسبی در مرحله دوم درباره تعداد داوطلبان در صورت مقبولیت جدی آنان محدودیت قایل نمی‌شود. در انتخابات مجلس ملی فرانسه تمام داوطلبان حایز حداقل دوازده و نیم درصد آرای مرحله اول می‌توانند در مرحله دوم انتخابات شرکت کنند.^{۷۵} فوت یا مانعیت داوطلبان ریاست جمهوری می‌تواند انتخاب رئیس‌جمهور بعدی را با تأخیر مواجه نماید.

د. فوت یا مانعیت یکی از داوطلبان ریاست جمهوری

در قانون بازنگری اساسی مورخ ۶ نوامبر ۱۹۶۲ برخی احتمالات مانند فوت، مانعیت و کناره‌گیری غیرمنتظره داوطلبان ریاست جمهوری که ممکن است جریان انتخابات را تحت تأثیر قرار دهند مورد توجه قرار نگرفته بود.^{۷۶} این خلأ

74. Pierre Pactet, *op. cit.*, p. 402.

75. Jean-Claude Zarka, *op. cit.*, p. 44.

۷۶. هریسی نژاد، کمال الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تبریز، آیدین، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵.

حقوقی با تصویب قانون بازنگری اساسی مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۷۶ توسط کنگره تا حد مطلوبی رفع گردید. بازنگری اساسی سال ۱۹۷۶ پیرو اعلام برخی از کاستی‌های قواعد راجع به انتخاب ریاست جمهوری توسط شورای قانون اساسی پس از انتخاب رئیس‌جمهور در سال ۱۹۷۴ صورت پذیرفت. بازنگری مذکور به هدف تکمیل ماده ۷ قانون اساسی، حکم حالات فوت یا مانعیت داوطلبان را تعیین کرد، اما درباره کناره‌گیری غیرمنتظره آنان بیانی ندارد. لذا کناره‌گیری غیرمنتظره داوطلبان به تعویق یا تجدید انتخاب ریاست جمهوری منجر نمی‌شود. بندهای ۶ تا ۹ ماده ۷ قانون اساسی مقرر می‌دارند: «اگر در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای تحویل معرفی‌نامه‌های داوطلبی یکی از اشخاصی که حداقل سی روز قبل از این تاریخ، تصمیم خویش بر داوطلب شدن را آشکارا اعلام کرده است فوت نماید یا در مانعیت قرار گیرد شورای قانون اساسی می‌تواند انتخابات را به تعویق اندازد. اگر پیش از مرحله اول یکی از داوطلبان فوت کند یا در مانعیت قرار گیرد شورای قانون اساسی تعویق انتخاب را اعلام می‌کند. در موارد فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حایز بیشترین آرا در مرحله اول پیش از کناره‌گیری احتمالی، شورای قانون اساسی اعلام می‌کند که باید تمام عملیات انتخاباتی از نو انجام شود. در موارد فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حاضر در مرحله دوم نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. در تمام موارد، بر اساس شرایط مقرر در بند ۲ ماده ۶۱ ذیل یا بر اساس شرایط معین در قانون ارگانیک پیش‌بینی‌شده در ماده ۶ بالا برای معرفی کردن داوطلب، شورای قانون اساسی مورد مراجعه قرار می‌گیرد».

77. Louis Favoreu et Loïc Philip, Le Conseil constitutionnel, Paris, puf 6e édition, 1995, pp. 61-62.

78. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 415.

اگر فوت یا مانعیت یکی از داوطلبانی که آشکارا داوطلبی خویش را اعلام کرده است در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای ثبت نام داوطلبان از طریق تحویل معرفی‌نامه‌های داوطلبی تحقق یابد، شورای قانون اساسی می‌تواند حکم به تعویق انتخابات دهد. تشخیص ضرورت یا عدم ضرورت تعویق انتخابات با توجه به مقبولیت اجتماعی داوطلب متوفا یا دارای مانع به ارزیابی آزاد شورای قانون اساسی واگذار شده است. با اعلام تعویق انتخاب توسط شورای قانون اساسی فرصت مناسب در اختیار طرفداران یا تشکل سیاسی حامی داوطلب متوفا یا دارای مانع قرار می‌گیرد تا داوطلب جدیدی را با جمع‌آوری امضا معرفی کنند. به این ترتیب امکان نمایندگی گرایش سیاسی داوطلب متوفی یا دارای مانع در انتخابات فراهم می‌گردد. در صورت فوت یا مانعیت یکی از داوطلبان پس از پایان مهلت ثبت نام و پیش از مرحله اول رأی‌گیری نیز شورای قانون اساسی تعویق انتخاب را اعلام می‌نماید. با این تعویق امکان ثبت نام دوباره داوطلبان فراهم می‌شود که این موضوع به تشکل سیاسی مربوط اجازه می‌دهد تا داوطلب جدیدی را معرفی کند، لذا رقابت انتخاباتی جدید آغاز می‌گردد تا برابری در تبلیغات رعایت شود.^{۷۹} امکان نمایندگی گرایش سیاسی داوطلب متوفا یا دارای مانع در صورت فوت یا مانعیت داوطلبان مرحله دوم نیز به دلیل تجدید تمام عملیات انتخاباتی از نو وجود دارد. شورای قانون اساسی درباره تعویق یا تجدید انتخابات تصمیم‌گیری می‌کند اما نمی‌تواند در این تصمیم روز انجام رأی‌گیری را برای تاریخی بیش از سی و پنج روز پس از اخذ تصمیم خویش تعیین نماید. شورای قانون اساسی در تمام موارد بر اساس شرایط مذکور در بند ۲ ماده ۶۱ قانون اساسی یعنی توسط رئیس‌جمهور، رئیس مجلس ملی، رئیس

79. Jean Gicquel, *op. cit.*, p. 531.

سنا، شصت نماینده مجلس ملی یا شصت سناتور و یا بر اساس شرایط معین در قانون ارگانیک پیش‌بینی شده در ماده ۶ یعنی توسط اشخاص صلاحیت‌دار برای معرفی داوطلبان (حداقل پانصد نفر) مورد مراجعه قرار می‌گیرد. مراجعه به شورای قانون اساسی برای دخالت و تصمیم‌گیری او لازم است.^{۸۰} به ظاهر هدف قانون‌گذاری اساسی این است که از تکروری یا سهل‌انگاری احتمالی شورای قانون اساسی در صورت فوت یا مانعیت داوطلبان ریاست جمهوری جلوگیری کند. در صورت مراجعه مقامات و اشخاص مذکور، شورای قانون اساسی در مورد بند ۶ ماده ۷ قانون اساسی از اختیار تعویق یا عدم تعویق انتخاب برخوردار است اما در مورد بندهای ۷ و ۸ ماده ۷ قانون اساسی باید تعویق یا تجدید انتخاب را اعلام کند. در راستای اجرای وظایف مقرر در بندهای ۶، ۷ و ۸ ماده ۷ قانون اساسی، شورای قانون اساسی می‌تواند مهلت‌های عادی برگزاری انتخابات را تمدید نماید.

هـ. زمان برگزاری انتخاب ریاست جمهوری

به منظور جلوگیری از فترت ریاست جمهوری، قانون‌گذاری اساسی سال ۱۹۵۸ مقرر می‌داشت که انتخاب رئیس‌جمهور جدید حداقل بیست روز و حداکثر پنجاه روز پیش از پایان اختیارات رئیس‌جمهور در حال فعالیت انجام می‌شود. در موارد غیاب یا اعلام مانعیت قطعی رئیس‌جمهور توسط شورای قانون اساسی نیز رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید می‌بایست، مگر در صورت قوه قاهره به تشخیص شورای قانون اساسی، حداقل بیست روز و حداکثر پنجاه روز پس از آغاز غیاب یا اعلام ویژگی قطعی مانعیت صورت

80. Pierre Pactet, *op. cit.*, p. 401.

پذیرد. بازنگری اساسی سال ۱۹۶۲ حداکثر زمانی مجاز برای برگزاری انتخاب ریاست جمهوری را از پنجاه روز به سی و پنج روز کاهش داد. تغییر مذکور هم در بند ۳ و هم در بند ۵ ماده ۷ قانون اساسی فرانسه لحاظ شده است. بند ۳ ماده ۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «انتخاب رئیس‌جمهور جدید حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پیش از پایان اختیارات رئیس‌جمهور در حال فعالیت انجام می‌شود». مطابق بند ۵ ماده ۷ قانون اساسی «در موارد غیاب یا وقتی که شورای قانون اساسی مانعیت قطعی را اعلام کند رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید، مگر در صورت قوه قاهره به تشخیص شورای قانون اساسی، حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پس از آغاز غیاب یا اعلام ویژگی قطعی مانعیت انجام می‌پذیرد». تغییر حداکثر زمانی مذکور در بند ۳ ماده ۷ از انتخاب بسیار زودهنگام رئیس‌جمهور بعدی جلوگیری می‌کند زیرا منتخب جدید مردم باید برای آغاز تصدی مقام ریاست جمهوری تا پایان دوره ریاست جمهوری کنونی منتظر بماند. غیاب یا مانعیت قطعی رئیس‌جمهور از عوامل کفالت ریاست جمهوری است که با کاهش حداکثر زمانی مجاز برای کفالت در بند ۵ ماده ۷ نیز تصدی وظایف ریاست جمهوری توسط کفیل طولانی نخواهد شد و حیات سیاسی می‌تواند سریع‌تر به حالت عادی برگردد. بازنگری قانون اساسی در سال ۱۹۷۶ زمینه تقریر حکم دیگری را توسط قانون‌گذاری اساسی درباره زمان برگزاری انتخاب ریاست جمهوری فراهم کرد. بند ۱۰ ماده ۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «شورای قانون اساسی می‌تواند مهلت‌های پیش‌بینی‌شده در بندهای ۳ و ۵ این ماده را تمدید کند، بدون اینکه رأی‌گیری بیش از سی و پنج روز پس از تاریخ تصمیم شورای قانون اساسی انجام شود. اگر اجرای مقررات این بند به تعویق انجام انتخاب به تاریخی پس از پایان اختیارات رئیس‌جمهور در حال فعالیت منجر شود، وی تا اعلام جانشینش در خدمت می‌ماند». به عبارت دیگر، پایان دوره ریاست جمهوری از عوامل تحقق کفالت رئیس‌جمهور است اما در صورت پایان دوره ریاست جمهوری به دلیل تعویق زمان برگزاری انتخابات

توسط شورای قانون اساسی، رئیس‌جمهور در حال فعالیت تا زمان انتخاب جانشینش به انجام وظایف ریاست جمهوری ادامه می‌دهد.

قانون بازنگری اساسی مصوب ۱۹۶۲ مقرر می‌داشت در صورت عدم کسب اکثریت مطلق توسط یکی از داوطلبان در مرحله اول، رأی‌گیری مرحله دوم در دومین یکشنبه بعد انجام می‌گیرد. در واقع ماده ۷ قانون اساسی روز برگزاری مرحله دوم انتخاب ریاست جمهوری را تعیین اما درباره روز برگزاری مرحله اول سکوت می‌کرد. این موضوع در متن بازنگری مصوب ۱۹۷۶ ماده ۷ قانون اساسی نیز باقی ماند. تعیین روز یکشنبه به عنوان روز رأی‌گیری، أخذ رأی را در برخی از حوزه‌های دارای فاصله زمانی زیاد با متروپل بی‌فایده می‌کرد. با مشخص شدن نتیجه آرای متروپل نتیجه غیررسمی انتخابات معلوم می‌گردید و حال آنکه در برخی از حوزه‌های أخذ رأی هنوز رأی‌گیری ادامه داشت. بازنگری اساسی مصوب ۲۸ مارس ۲۰۰۳ «پانزده روز بعد» را جایگزین «در دومین یکشنبه بعد» کرد تا با حذف روز یکشنبه از متن اساسی امکان أخذ رأی در سایر روزهای هفته نیز فراهم گردد. مطابق ماده ۵۵ کد انتخاباتی فرانسه انتخاب ریاست جمهوری در روز یکشنبه است. اما رأی‌گیری در روز شنبه برای برخی از واحدهای سرزمینی آن سوی دریاها یا نمایندگی‌های سیاسی فرانسه در خارج از کشور امکان‌پذیر است. مطابق فرمان مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۷ راجع به دعوت انتخاب‌کنندگان برای انتخاب ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷، أخذ رأی در گوادولوپ، مارتینیک، گویان، سنت پیر و میکلن، پولینزی فرانسه و

81. Guadeloupe.

82. Martinique.

83. Guyane.

84. Saint-Pierre-et-Miquelon.

85. Polynésie française.

همچنین سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های واقع در قاره آمریکا در روز شنبه انجام گرفت.

یکی از اهداف کاهش دوره ریاست جمهوری از هفت به پنج سال برگزاری با فاصله اندک انتخابات مجلس ملی و انتخاب ریاست جمهوری برای جلوگیری از تحقق هم‌زیستی در صحنه سیاسی است. نمایندگان مجلس ملی نیز مانند رئیس‌جمهور برای پنج سال انتخاب می‌شوند. منطق سیاسی اقتضا می‌کند که اکثریت پارلمانی ناشی از صندوق‌های اخذ رأی پس از انتخاب ریاست جمهوری با تمایلات رئیس‌جمهور جدید منطبق باشد اما تضمینی برای تحقق این امر وجود ندارد. با انحلال مجلس ملی توسط رئیس‌جمهور یا توقف نمایندگی رئیس‌جمهور در اثر غیاب یا مانعیت قطعی نظم انتخاباتی تغییر خواهد کرد. رأی‌دهندگان حتی در صورت دعوت برای انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس ملی در یک روز می‌توانند رئیس‌جمهور و مجلس ملی با گرایش‌های سیاسی متفاوت برگزینند.^{۸۶} ژنرال دوگل با هم‌زمانی انتخاب رئیس‌جمهور و انتخابات نمایندگان مجلس ملی مخالف بود، وی ابراز می‌داشت این هم‌زمانی انتخاب ریاست جمهوری را با نبرد مستقیم احزاب سیاسی درگیر و ویژگی این مقام را خدشه‌دار می‌کند.^{۸۷} ژرژ پومپیدو نیز در پیام مورخ ۳ آوریل ۱۹۷۳ به پارلمان همراه با بیان ناسازگاری دوره هفت ساله ریاست جمهوری با نهادهای سیاسی به استناد تجربه شخصی خویش اعلام می‌دارد که مخالف هم‌زمانی انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی است. در مقدمه توجیهی لایحه قانونی بازنگری اساسی سال ۱۹۷۳ اشاره می‌کند که نباید تاریخ انتخاب ریاست

86. Rolland Debbasch, *op. cit.*, p. 140.

87. *Ibid.*

جمهوری را با تاریخ انتخابات مجلس ملی مرتبط کرد زیرا، این امر روح حاکم بر نهادها و توازن قوای عمومی را مختل می‌کند.^{۸۸} آغاز عملیات انتخاباتی با دعوت دولت و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری با شورای قانون اساسی است.

و. نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری

ماده ۵۸ قانون اساسی فرانسه، شورای قانون اساسی را عهده‌دار مراقبت از سلامت انتخاب رئیس‌جمهور می‌داند. این شورا به شکایات احتمالی رسیدگی و نتیجه نهایی را اعلام می‌کند. نقش نظارتی شورا بر انتخاب ریاست جمهوری بسیار گسترده‌تر از نقش وی در نظارت بر انتخابات پارلمانی است.^{۸۹} شورای قانون اساسی دارای اختیارات مشورتی و محکمه‌ای در قالب نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری است اما اختیارات نظارتی آن بر انتخابات پارلمانی کاملاً محکمه‌ای است. پیرو انتشار فرمان دعوت رأی‌دهندگان (دستور شروع انتخابات)، شورای قانون اساسی معرفی نامه‌های داوطلبان انتخاب ریاست جمهوری را دریافت و فهرست داوطلبان را پس از بررسی انتخاب‌پذیری آنان بر

88. Cf. Documents d'études, *Le Président de la Cinquième République* op. cit, pp. 5253

۸۹. درباره کیفیت نظارت شورای قانون اساسی بر انتخاب ریاست جمهوری نک: تقی‌زاده، جواد، «شورای قانون اساسی فرانسه و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری و همه‌پرسی»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶، صص ۷۳-۵۹ و درباره کیفیت نظارت شورای قانون اساسی بر انتخابات پارلمانی نک: تقی‌زاده، جواد، «شورای قانون اساسی فرانسه و نظارت بر انتخابات پارلمانی»، اندیشه‌های حقوقی پردیس قم دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۵۲-۱۱۵.

90. Consultatif.

91. Juridictionnel.

اساس توقعات اساسی و قانونی تنظیم می‌کند. انتشار فهرست داوطلبان بدون شک یکی از تصمیمات شورای قانون اساسی است. مطابق ماده ۷ فرمان مورخ ۱۴ مارس ۱۹۶۴، شورای قانون اساسی شکایات راجع به تنظیم فهرست داوطلبان را بررسی می‌کند. این مقرر مغایر با ماده ۶۲ قانون اساسی است که تصمیمات شورا را غیرقابل تجدید نظر می‌داند. قبل از رأی‌گیری، دولت با شورای قانون اساسی درباره سازماندهی عملیات انتخاباتی مانند فرمان دعوت از انتخاب‌کنندگان یا تاریخ ارسال فرم‌های معرفی داوطلبان مشورت می‌کند. ورود شورا در این حوزه به عنوان یک نهاد مشورتی و نه یک محکمه است. با تشکیل کمیسیون ملی نظارت در سال ۱۹۶۴ قسمت اعظم نظارت بر رقابت انتخاباتی از حوزه اختیارات شورای قانون اساسی خارج شد که این موضوع از لحاظ حقوقی تأسف بار است زیرا، قانون‌گذاری اساسی مراقبت بر سلامت انتخاب ریاست جمهوری را بر عهده شورا قرار داده است. کمیسیون ملی نظارت با فرمان مورخ ۱۴ مارس ۱۹۶۴ شورای وزیران که البته مورد نظارت پر اساسی بودن قرار نگرفت و مغایر با قانون اساسی است تشکیل گردید. نظارت بر استفاده برابر داوطلبان از رسانه‌های دیداری و شنیداری بر عهده شورای عالی سمعی و بصری و نظارت بر هزینه‌های رقابت انتخاباتی بر عهده کمیسیون ملی حساب‌های رقابت و مخارج سیاسی است. ورود نهادهایی مانند

92. Dominique Turpin, *Contentieux constitutionnel*, Paris, puf, 2e édition, 1994 p. 434.

93. Ibid.

94. Dominique Rousseau, *Droit du contentieux constitutionnel*, Paris, Montchrestien, 6e édition, 2001, p. 369.

95. Dominique Turpin, *op.cit*, p. 435.

96. Contrôle de la constitutionnalité.

97. Dominique Turpin, *op.cit*, p. 432.

کمیسیون ملی نظارت، شورای عالی سمعی و بصری و کمیسیون ملی حساب‌های رقابت و مخارج سیاسی در حوزه نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر کیفیت نظارت شورای قانون اساسی به جای گذارد. ورود این نهادها در حوزه نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری نباید به کم‌رنگ شدن نقش نظارتی شورای قانون اساسی به عنوان نهاد اصلی متصدی صیانت از سلامت انتخاب ریاست جمهوری منجر شود.

به منظور تعقیب عملیات انتخاباتی از نزدیک، شورای قانون اساسی می‌تواند نمایندگانی را از بین قضات عادی یا اداری تعیین کند، این موضوع به شورا امکان می‌دهد تا به طور مستقیم از تخلفات احتمالی آگاهی یابد. معمولاً نمایندگان شورا از بین گزارشگران معین^{۹۸} شورای قانون اساسی و رؤسای دیوان‌های تجدید نظر انتخاب می‌شوند و این اشخاص نیز می‌توانند با تفویض رئیس شورای قانون اساسی افرادی را از میان قضات دیوان‌های تجدید نظر، اعضای شورای دولتی، دیوان محاسبات و رؤسای دادگاه‌های اداری شهرستان یا واحدهای سرزمینی آن سوی دریاها به عنوان نمایندگان شورای قانون اساسی در مکان‌هایی که مراقبت‌های ویژه لازم است تعیین نمایند. ممانعت برخی از رؤسای شعب اخذ رأی از ورود نمایندگان شورا به محل‌های رأی‌گیری در سال ۱۹۷۴ به ابطال عملیات انتخاباتی آن شعب توسط شورای قانون اساسی منجر گردید. نمایندگان شورا نمی‌توانند جایگزین مجریان انتخابات شوند اما

۹۸. تقی‌زاده، جواد، «شورای قانون اساسی فرانسه و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری و همه‌پرسی»، همان، ص ۷۲.

99. Loïc Philip, "Le Conseil constitutionnel : juge électoral", *Pouvoirs*, n° 13, 1980 p. 74

100. Rapporteurs-adjoints.

101. Dominique Rousseau, *op. cit.*, p. 371.

102. Louis Favoreu et Loïc Philip, *op. cit.*, p. 63

می‌توانند توجه آنان را به مسائل عملی یا حقوقی مهم مانند اسناد هویتی لازم برای رأی دهندگان، تعداد صندوق‌های حاضر در شعبه‌اخذ رأی، لزوم وجود اتاقک‌های انتخاباتی، سلامت آرا و شمارش آن‌ها جلب کنند.^{۱۰۳} این نمایندگان گزارش مکتوبی از مأموریت خویش به شورای قانون اساسی ارائه می‌کنند و در صورت درخواست شورا به صورت شفاهی توضیحاتی می‌دهند. اگر تخلفات ارتكابی، آزادی یا صداقت رأی‌گیری را خدشه‌دار کنند، شورای قانون اساسی حسب مورد نتایج شعبه مورد نظر را ابطال و یا اینکه تخلفات را بیان می‌کند اما آن‌ها را مجازات نمی‌نماید.^{۱۰۴} شورای قانون اساسی شکایات را بررسی و نتیجه انتخابات را اعلام می‌کند. البته ایفای وظیفه نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری منوط به دریافت شکایت نیست زیرا اعلام نتایج رأی‌گیری بر عهده شورای قانون اساسی است.^{۱۰۵} برخلاف مرحله اول، اعلام نتایج نهایی انتخاب ریاست جمهوری توسط شورای قانون اساسی دارای ویژگی قطعی است که بر همه تحمیل می‌گردد.^{۱۰۶} به عبارت دیگر، تصمیم شورای قانون اساسی دارای اعتبار امر مختومه است.

103. Dominique Rousseau, *op. cit.*, p. 372.

104. *Ibid.*

105. Henry Roussillon, *op. cit.* p. 127.

106. Dominique Rousseau, *op. cit.*, p. 373.

نتیجه گیری

مطابق متن مصوب ۱۹۵۸ قانون اساسی، رئیس جمهور برای هفت سال با رأی گیری غیرمستقیم و توسط هیأتی مرکب از اعضای پارلمان، اعضای شوراهای شهرستان و نمایندگان شوراهای کمون انتخاب می گردید. رئیس جمهور ژنرال دوگل در اقدامی مغایر با قانون اساسی از طریق همه پرسی ماده ۱۱ قانون اساسی لایحه ای قانونی را در سال ۱۹۶۲ به تصویب مردم فرانسه رساند که مطابق آن رئیس جمهور از طریق رأی گیری همگانی و مستقیم انتخاب می شود. انتخاب رئیس جمهور از طریق رأی گیری همگانی و مستقیم به متصدی این مقام حقانیت جدیدی بخشید. این حقانیت دخالت فعال مقام ریاست جمهوری را در حیات سیاسی توجیه می کند. به همین دلیل برای دوری از پیامدهای ناخواسته، به ابتکار رئیس جمهور ژاک شیراک در سال ۲۰۰۰ دوره نمایندگی رئیس جمهور از هفت به پنج سال کاهش یافت و به ابتکار رئیس جمهور نیکولا سارکوزی در سال ۲۰۰۸ انتخاب بیش از دو دوره متوالی به ریاست جمهوری ممنوع گردید. نظام انتخاب رئیس جمهور، نظام اکثریت مطلق دو مرحله ای است. این شیوه انتخاب ریاست جمهوری داده های بنیادین حیات سیاسی را معمولاً به نفع رئیس جمهور و گاهی به ضرر وی تغییر می دهد: انتخاب ریاست جمهوری در رأی گیری دو مرحله ای، نیروهای سیاسی را ملزم می کند تا در دو جناح گرد هم بیایند و در انتخابات پارلمانی نیز به نفع یا علیه گرایش های رئیس جمهور رأی دهند.^{۱۰۷} انتخاب رئیس جمهور جدید حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پیش از پایان اختیارات رئیس جمهور در حال فعالیت صورت می گیرد. در موارد غیاب یا

107. Bernard Chantebout, *op. cit.*, p. 386.

اعلام مانعیت قطعی رئیس‌جمهور توسط شورای قانون اساسی رأی‌گیری برای انتخاب رئیس‌جمهور جدید، حداقل بیست روز و حداکثر سی و پنج روز پس از حدوث این شرایط انجام می‌پذیرد، مگر در صورت قوه قاهره به تشخیص شورای قانون اساسی. فوت یا مانعیت داوطلبان ریاست جمهوری می‌تواند انتخاب رئیس‌جمهور جدید را با تأخیر مواجه کند. اگر در محدوده هفت روز پیش از تاریخ مقرر برای ثبت نام داوطلبان یکی از اشخاصی که حداقل سی روز قبل از این تاریخ تصمیم خویش بر داوطلبی را اعلام کرده است فوت نماید یا در مانعیت قرار گیرد شورای قانون اساسی می‌تواند انتخاب را تعویق نماید. اگر پیش از مرحله اول یکی از داوطلبان فوت کند یا در مانعیت قرار گیرد شورای قانون اساسی تعویق انتخاب را اعلام می‌کند. در موارد فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حایز بیشترین آرا در مرحله اول پیش از کناره‌گیری احتمالی، شورای قانون اساسی اعلام می‌کند که باید از نو تمام عملیات انتخاباتی انجام شود. در صورت فوت یا مانعیت یکی از دو داوطلب حاضر در مرحله دوم نیز به همین ترتیب عمل می‌شود. تعویق یا تجدید انتخابات در اثر فوت یا مانعیت داوطلبان، به طرفداران داوطلب متوفا یا دارای مانع اجازه می‌دهد تا داوطلب دیگری معرفی کنند و در رقابت انتخاباتی نمایندگی شوند. شورای قانون اساسی بر سلامت انتخاب رئیس‌جمهور مراقبت، به شکایات رسیدگی و نتیجه نهایی را اعلام می‌کند.

تناسب بین روش انتخاب مقامات سیاسی و کارکردهای آنان از موضوعاتی است که توجه قانون‌گذاران اساسی را جلب می‌کند. مقامات دارای نقش پررنگ در حیات سیاسی نیازمند حقانیت سیاسی بالا می‌باشند. لذا در نظام‌های پارلمانی به دلیل کم‌رنگ بودن نقش رئیس‌جمهور (رئیس کشور) در مقایسه با نقش صدراعظم یا نخست‌وزیر (رئیس دولت) انتخاب غیرمستقیم رئیس‌جمهور

مناسب‌تر از انتخاب مستقیم توسط مردم است. انتخاب رئیس‌جمهوری که همزمان رئیس‌کشور و رئیس‌دولت در نظام‌های ریاستی است از طریق رأی‌گیری همگانی و مستقیم مناسب است تا رئیس‌جمهور از حقانیت سیاسی بالا برخوردار گردد. تغییر روش انتخاب رئیس‌جمهوری پنجم فرانسه از رأی‌گیری غیرمستقیم به رأی‌گیری مستقیم نیز در راستای تقویت ویژگی ریاستی نظام سیاسی آن جای می‌گیرد. در اتریش، فنلاند، ایرلند، پرتغال و لهستان انتخاب رئیس‌جمهور با رأی‌گیری همگانی مستقیم است اما نقش سیاسی وی کاملاً کم‌رنگ‌تر از نقش رئیس‌جمهوری پنجم فرانسه است و با نقش رؤسای جمهور منتخب پارلمان در نظام‌های پارلمانی خیلی متفاوت نیست، به گونه‌ای که مقام ریاست جمهوری نوعی سمت پیش‌بازنشستگی برای یک سیاستمدار باتجربه محسوب می‌شود.^{۱۰۸} انتخاب ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا به رغم نقش پررنگ رئیس‌جمهور در حیات سیاسی و ویژگی ریاستی نظام سیاسی آن با رأی‌گیری غیرمستقیم است تا توقعات فدرالیسم در فرایند انتخاب ریاست جمهوری لحاظ گردند.

108. Op. cit., p. 453.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. تقی‌زاده، جواد، «شورای قانون اساسی فرانسه و نظارت بر انتخاب ریاست جمهوری و همه‌پرسی»، نشریه حقوق اساسی، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۶.
۲. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران، میزان، بهار ۱۳۸۰.
۳. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، دی ماه ۱۳۷۲.
۴. نقیب‌زاده، احمد، سیاست و حکومت در اروپا، تهران، سمت، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۵.
۵. هریسی نژاد، کمال الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تبریز، آیدین، ۱۳۸۷.

ب) فرانسه

1. Arkwright, Edward *et al.*, **Les Institutions de la France**, Paris, Documentations françaises, 2004.
2. Chantebout, Bernard, **Droit constitutionnel**, Paris, Armand Colin, 20^e édition, 2003.
3. Debbsch, Rolland, **Droit constitutionnel**, Paris, Litec, 2^e édition, 2001.
4. Documents d'études, **Constitution française du 4 octobre 1958**, Paris, Documentations françaises, 2002.
5. Documents d'études, **Le Président de la Cinquième République**, Documents réunis et commentés par Christian Bigaut, Paris, Documentations françaises, 2000.

6. Documents d'études, **Modes de scrutin et systèmes électoraux**, Documents réunis et commentés par Olivier Passelecq, Paris, Documentations françaises, 2000.
7. Dubouis, Louis et Peiser, Gustave, **Droit public**, Paris, Dalloz, 14^e édition, 1999.
8. Favoreu, Louis *et al.*, **Droit constitutionnel**, Paris, Dalloz, 6^e édition, 2003.
9. Favoreu, Louis et Philip, Loïc, **Le Conseil constitutionnel**, Paris, puf, 6^e édition, 1995.
10. Gicquel, Jean, **Droit constitutionnel et institutions politiques**, Paris, Montchrestien, 16^e édition, 1999.
11. Masclet, Jean-Claude, **Droit des élections politiques**, Paris, puf, 1992.
12. Masclet, Jean-Claude, **Droit électoral**, Paris, puf, 1989.
13. Masclet, Jean-Claude et Vallette (Jean-Paul), **Droit constitutionnel et institutions politiques**, Paris, Dalloz, 2^e édition, 1997.
14. Mathieu, Bertrand et Verpeaux, Michel, **Droit constitutionnel**, Paris, puf, 2004.
15. Pactet, Pierre, **Institutions politiques Droit constitutionnel**, Paris, Armand Colin, 21^e édition, 2002.
16. Philip, Loïc, "Le Conseil constitutionnel : juge électoral", **Pouvoirs**, n° 13, 1980.
17. Rousseau, Dominique, **Droit du contentieux constitutionnel**, Paris, Montchrestien, 6^e édition, 2001.
18. Roussillon, Henry, **Le Conseil constitutionnel**, Paris, Dalloz, 4^e édition, 2001.
19. Turpin, Dominique, **Contentieux constitutionnel**, Paris, puf, 2^e édition, 1994.
20. Zarka, Jean-Claude, **Les systèmes électoraux**, Paris, Ellipses, 1996.